



## الگوی مسکن بومی روستایی در شهرستان هامون

صادق اصغری لقمجانی<sup>۱</sup>، اعظم بردبار گلوی<sup>۲</sup>

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل  
۲- دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل  
geo91.bordbar@yahoo.com

### چکیده

مسکن روستایی به طور طبیعی تجلیگاه شیوه زیستی- معیشتی گروه‌های روستایی به شمار می‌رود و الگو و عملکردهای آن در پیوند با عرصه مکانی- فضایی، به مثابه دریچه‌های به شناخت چشم اندازها و روندهای حاکم بر زندگی روستاست و از جمله مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده بافت روستایی محسوب می‌شود که متاثر از عوامل طبیعی و انسانی در هر منطقه شکل گرفته. با توجه به مطالب فوق هدف مقاله حاضر بررسی الگوی مسکن بومی در شهرستان هامون که یکی از شهرستانهای منطقه سیستان است می‌باشد. روش تحقیق توصیفی و بر مبنای مطالعه منابع کتابخانه‌ای و کتب تاریخی می‌باشد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که الگوی بومی مسکن شهرستان هامون به گونهای است که متناسب با اقلیم شهرستان بوده و دارای ارتباط محکمی با فرهنگ مردم منطقه و زندگی روزمره آنها می‌باشد و به هیچ عنوان عنصر یا فضای بیهوده و صرفاً محض زیبایی یا تجمل در مسکن بومی منطقه به چشم نمی‌آید.  
واژگان کلیدی: مسکن بومی، الگو، روستا، سیستان، شهرستان هامون.

## مقدمه

معماری روستایی و بومی دارای خطوط ارتباط مستقیم، بلاواسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و زندگی روزمره آنهاست (ظهوریان و امیری، ۱۳۸۴: ۵۲). زندگی روستایی و نوع نگرش روستاییان به جهان و طبیعت، امکانات و دانش او برای ساخت و تولید؛ و شیوه‌های بهره‌وری باعث می‌شود تا اجزاء محیط به مطلوبترین و در عین حال رعایت سادگی و برقراری رابطهای منطقی و مکمل بین آنها، با حداکثر کارایی شکل گیرد. طرح، تکنولوژی و شیوه ساخت مسکن روستایی، ابعاد، تناسبات؛ مقیاس و انطباق با شرایط درون و بیرون واحد مسکونی همه و همه از میزان تاثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزامات حکایت دارد که بصورت تجربی و در طول زمان به صورت اصول، معیارها و کمیت‌هایی در ساختار فضایی مسکن بروز یافته است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۴). مسکن روستایی به طور طبیعی تجلیگاه شیوه زیستی - معیشتی گروه‌های روستایی به شمار می‌رود و الگو و عملکردهای آن در پیوند با عرصه مکانی - فضایی، به مثابه دریچه‌های به شناخت چشم اندازه‌ها و روندهای حاکم بر زندگی روستاست، و از جمله مهم‌ترین عوامل تشکیل دهنده بافت روستایی محسوب می‌شود که متاثر از عوامل طبیعی و انسانی هر منطقه است (طیسی، ۱۳۸۴: ۵۴). به گونه‌ای که در معماری سنتی ایران ساختمانها براساس موقعیت جغرافیایاش از طریق سقفها، کاهش سطوح خارجی در برابر تابش مستقیم آفتاب، ایجاد سایبانهای مناسب در هر منطقه، بادگیرها، زیر زمینها، حیاط مرکزی، جان پناهها سایه گستر، پنجره‌های رو به آفتاب، انتخاب مصالح مناسب سقف، دیوار، انبار و غیره، چنان با محیط خارجی مقابله می‌کند که بهترین آسایش فضای داخلی را بدون استفاده از دستگاههای پیچیده انرژیبر و آلوده‌کننده امکان پذیر می‌سازد (میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴). مسکن بومی شهرستان هامون با توجه خاص به اقلیم منطقه درصدد استفاده بهینه از انرژیهای طبیعی همچون، باد، انرژی خورشید، و غیره بوده است (جعفری نجف آبادی و مهدویپور، ۱۳۹۱: ۵۹). با توجه به وزش بادهای ۱۲۰ روزه و حرکت ماسه‌های روان ناشی از آن، مسکن بومی منطقه تطبیق بیشتری با شرایط اقلیمی منطقه داشته و میزان خسارات وارده ناشی از وزش بادهای ۱۲۰ در مسکن بومی منطقه کمتر بوده است (فاضلنیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۳). همچنین طبق تحقیقات به عمل آمده در منطقه میزان مصرف انرژی (نفت و گاز) در مسکن جدید نسبت به مسکن بومی بیشتر بوده است و ساکنین مسکن بومی رضایتمندی بیشتری از گرمایش و سرمایش فضای داخلی منزل در فصول سرد و گرم داشته‌اند. با توجه به مطالب فوق پژوهش حاضر با روش توصیفی در پی بررسی الگوی مسکن بومی روستایی در شهرستان هامون که یکی از شهرهای منطقه سیستان است می‌باشد.

## ۲- مبانی نظری

### • ویژگی‌های مسکن بومی سیستان

مردم واری: در معماری این منطقه، فضاها دارای مقیاس انسانی هستند و ظاهر خشن آنها با اقلیم و خلق و خوی مردم منطقه سازگاری بسیاری دارد. پرهیز از بیهودگی: به طور قاطع می‌توان گفت که در مسکن روستایی سیستان، به هیچ عنوان عنصری فضای بیهوده و صرفاً محض زیبایی یا تجمل به چشم نمی‌آید. استاتیک: پوششهای منحنی و ضخامت زیاد جرزها از جمله مواردی هستند که نشان دهنده توجه معماران بومی به مسئله استاتیک بنا است. کاستن از ضخامت جرزها با کمک تاقچه‌ها و رفها شاهدی بردانش عمیق سازهای معماران روستایی دارد.

**بوم آوری:** از دیگر ویژگی‌های معماری روستایی منطقه سیستان، باید به تامین مصالح از محل اشاره کرد. تقریباً بیش از نود درصد مصالح به کار گرفته شده در مسکن منطقه، بوم آورد است. حتی در ساخت و سازهای جدید، فقط آهن آلات و گچ که در منطقه وجود ندارد به محل آورده می‌شوند، همچنین تمام نیروی انسانی کار از اهالی روستا تامین می‌شود.

**درون گرایی:** با توجه به فرهنگ شیعی متعصب منطقه سیستان، وجود دیوارهای نسبتاً بلند حیاطها، جداسازی فضاهای خصوصی و عمومی از یکدیگر تا حد ممکن و نیز عنایت و توجه به حل مسائلی نظیر اشراف همسایهها، عدم وجود دید مستقیم در بدو ورود، همه نوعی از درون گرایی را به چشم می‌آورند (طبسی، ۱۳۸۴: ۴۱).

### • اجزاء و عناصر سازهای در مسکن بومی سیستان:

**الف) پوششها:** پوشش غالب مسکن روستایی سیستان، سقفهای منحنی است که در این میان سهم اتاق آهنگ (گهوارهای، لولهای) از سایر انواع بیشتر است. از دلایل اجرای پوششهای منحنی، از معماری بومی منطقه، باید به کمتر شدن شدت تابش خورشید به سطح بام (که در ایام گرم سال بسیار موثر است) و نیز هدایت بادها اشاره کرد.

**ب) جرزها:** جرزهای مسکن روستایی این منطقه بسیار ضخیم هستند و گاه عرض دیوارها تا یک متر و بیشتر می‌رسد. از دلایل این موضوع باید به مصالح مورد استفاده (خشت و گل)، بارهای وارده از پوشش منحنی، و نیز عایق بودن در برابر سرما و گرما اشاره کرد. در بعضی از قسمتها که امکان سبک کردن دیوارها وجود داشته، با ایجاد تاقچه و رَف، از ضخامت آن کاسته‌اند.

**ج) مواد و مصالح:** عمدتترین مواد و مصالح مصرفی در مسکن روستایی سیستان، خشت و گل است. خاک رس مناسبی که در منطقه وجود دارد و به نام محلی «مل» نامیده می‌شود علل اصلی چنین کاربرد وسیعی است. ابن حوقل در شرح خود در مورد خانه‌های سیستان می‌نویسد که، بناهای شهر زرنج<sup>۲</sup> (نام قدیم سیستان) عمدتاً از گل و خشت بود. دلیل عدم استفاده از چوب را جغرافیانگاران، رطوبت موجود در منطقه دانسته‌اند که چوب را فاسد می‌کند و موریا نه در آن راه می‌یابند، اما واقعیت امر این است که در سیستان کوه و جنگلی وجود نداشت تا ساکنین آن بتوانند از سنگ و چوب در ساخت منازلشان استفاده کنند. با این حال، گل و خشت بهترین نوع مصالح در ساخت بناهای مناطق کویری است. زیرا چنین خانه‌هایی مانع نفوذ گرما به اندرون می‌شود و محیط خانه را قابل تحمل می‌سازند (موسوی حاجی و مهرآفرین، ۱۳۸۸: ۸۵).

### • گونه‌شناسی مسکن بومی در روستاهای سیستان

شکل‌گیری گونه‌های مختلف روستایی متأثر از عوامل کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... است که در شرایط مختلف هر کدام از عوامل، تاثیر متفاوتی در فرم‌گونه به جا گذاشته است. با بررسی فرم پلانها (جدول ۱) در روستاهای مختلف سیستان می‌توان گفت اکثر بناها در این منطقه به ۴ گونه اصلی تقسیم می‌گردد:

#### • حیاط مرکزی

• L شکل

• U شکل

• ترکیبی

1- Mal

2- Zarang

|            |  |
|------------|--|
| فرم پلانها | توضیحات  |
| L شکل      | در این فرم کاربریها به صورت خطی در کنار یکدیگر استقرار یافتهاند.   |
| U شکل      | در این فرم فضای خدماتی معمولاً وسط دو بازو قرار دارد.  |
| ترکیبی     | -----  |
| حیات مرکزی | با توجه به اقلیم منطقه بهترین فرم، حیات مرکزی است اما به دلیل فقر مالی خانواده‌ها از این گونه در سیستان بسیار کم به چشم می‌خورد. |

جدول شماره ۱: فرم انواع پلان در مسکن روستایی سیستان

مأخذ: مرتضوی و شه بخش، ۱۳۸۸: ۷

با توجه به گونه‌های برداشت شده در این منطقه، آن چه به چشم می‌خورد بیانگر آن است که فرم اکثر خانه‌ها شکل L و یا ترکیبی می‌باشد. در صورتی که فرم مناسب اقلیم منطقه حیات مرکزی است اما به دلایلی مختلفی از جمله وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و سطح درآمد آنها بخشی از فضاها حذف شده و ساده‌ترین شکل ممکن به اجرا درآمده است (مرتضوی و شه بخش، ۱۳۸۸: ۷).

### • شناخت ویژگی‌های کالبدی معماری سیستان

مصالح مورد استفاده در معماری بومی سیستان، گل و خشت خام می‌باشد. نرمی و چسبندگی خاک رس بناهای منطقه را از هرگونه مصالح وارداتی بینیم می‌کند. با توجه به کمبود منابع سنگ در سیستان، کلیه تدابیر به کار رفته در معماری بر مبنای استفاده از مصالح بومی متمرکز شده و این موضوع خود بسندگی قابل ملاحظه‌ای را برای معماری سیستان به ارمغان آورده است.

**دیوارها:** در ساخت دیوار و سایر قسمتهای بنا از خشت خام استفاده می‌شود. خشتها به صورت قالبی تهیه شده و ابعاد هر خشت ۲۵×۲۵ سانتی متر می‌باشد. ضخامت دیوار سه خشت است.

**سقف:** در سیستان سقفها را به صورت گنبدی می‌سازند. فرم کروی گنبد باعث می‌شود در طول روز بخشی از سقف در سایه قرار گرفته و گرمای کمتری ذخیره شود، با توجه به ابعاد دهانه به دو صورت اجرا می‌شود:

الف- اگر دهانه سقف سه متر باشد، آجر چینی از دو طرف شروع ادامه پیدا کرده و در مرکز گنبد خاتمه می‌یابد.

ب- اگر دهانه سقف بیش از سه متر باشد، با توجه به وسعت قطر دهانه، آجر چینی از چهار گوشه اتاق شروع و در مرکز گنبد خاتمه می‌یابد.

هواکش: هواکش به سه شکل تعبیه می‌شود: کُلک، سُورک، استفاده از دریچه‌های مشبک

**کُلک:** بادگیر بومی سیستان است که در اصطلاح محلی به آن کلک می‌گویند، برآمدگی مستطیل شکلی است در قسمت میانی گنبد که در جهت باد ساخته می‌شود باد پس از ورود به کلک وارد فضای داخلی خانه شده و با توجه به فرم گنبدی سقف امکان تهویه مطلوب را فراهم می‌سازد.

**سُورک:** نوعی هواکش است که در دیوار تعبیه می‌شود. در این شیوه مجرای ورودی و خروجی هوا با زوایهای خاص در دیوار تعبیه می‌شود تا ضمن شکستن نیروی باد، هوا را وارد فضای داخلی نموده و با کاهش سرعت وزش باد میزان ورود گرد و غبار را نیز کاهش دهد. طراحی سورک از ابداعات معماران سیستانی است.

**دریچه‌های مشبک:** استفاده از دریچه‌های مشبک در جبهه شمالی، هوا را به طور مستقیم هدایت کرده و در فصول گرم سال نقش قابل توجهی در کاهش دمای محیط

الگوی مسکن بومی روستایی در شهرستان هامون  
صادق اصغری لقمجانی، اعظم بردبار گلوی

صص ۸-۱

دارند. این دریاچه‌ها امکان تنظیم هوای داخل اتاق را به خوبی فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، ضمن عبور دادن نور و هوا می‌توان بسته به نیاز و شرایط، با مسدود نمودن برخی روزنه‌ها یا باز کردن روزنه‌های مسدود جریان هوا را تنظیم نمود. حیاط: حیاط در خانه‌های سیستان عنصر مهم سازماندهی فضاهاست. نقش ارتباطی- حرکتی از ویژگی‌های دیگر آن است. با توجه به این مطلب بر مبنای وسعت کلی خانه و فضای مورد نیاز ابعاد حیات نیز حرکت می‌کند. شکل حیاط معمولاً به صورت چهار گوش کشیده می‌باشد.

### • عوامل موثر در شکل‌گیری معماری بومی سیستان

الف) مصالح و امکانات منطقه‌ای

در گذشته بناها معمولاً از مصالح در دسترس محلی ساخته می‌شده است. تنوع مناطق جغرافیایی در مهم‌ترین اشکال بنا در رابطه با مصالح ساختمانی محلی خانه‌های خشتی و آجری، خشتی و گلی، کوله و خانه‌های حصیری از نی و برگ نخل، زاغهای گلی و خانه‌های کپری از شاخ و برگ درختان هستند منابع و امکانات محلی بر روی هم طیفی از مصالح را فراهم می‌آورند که در معماری بومی به کار گرفته می‌شوند مواد ساختمانی محلی از خاک، آب و نباتات محل بدست آمده و رابطه هماهنگ بین ساختمانها و محیط را پدید می‌آورند.

شیوه‌ی تولید، تاثیر مستقیمی در شکل مسکن روستایی داشته است در این منطقه به علت کمبود آب، کشاورزی با زحمت بسیار انجام می‌گیرد به همین علت صنایع دستی از جمله قالی بافی رکن اصلی تولید در شکل ایجاد فضاهای مناسب در رابطه با بهره‌ری از موارد بر معماری محیط تاثیر گذاشته و فضاهایی مانند، مرغدانی، آغل، انبار محصولات، کارگاه‌های صنایع دستی و... ساخته شده است.

### ج) اعتقادات و سنن

اعتقادات و سنن به صورتهای گوناگون بر چهره معماری سنتی سیستان تاثیر گذاشته‌اند، حیاطهای اندرونی و بیرونی و دیوارهای بلند مظاهری هستند که در ارتباط با اعتقادات مذهب و سایر خصوصیات فردی و اجتماعی از جمله مهمان نوازی، پاکیزگی و... به معماری سنتی سیستان شکل بخشیده‌اند همچنین وجود پدر سالاری و خانوار گسترده که چند نسل را در یک واحد مسکونی جای می‌داده، مستلزم نوع خاص از مسکن است.

### • بررسی مسکن روستایی امروز سیستان

در سالهای اخیر، الگوی برخی از مسکنهای روستایی متأثر از نفوذ اقتصادی، اجتماعی جاذبه‌های شهری گردیده تمایل به ساخت مسکن براساس معیارهای مسکن شهری در حال افزایش است. این موضوع علاوه بر تحمیل هزینه‌های هنگفت، اتلاف منابع انرژی را نیز به دنبال دارد. در این سالها، بروز شیوه‌های نودر معماری روستایی استفاده از مصالح جدید را به همراه داشته که از نظر استحکام و کارایی بسی برتر از مصالح بومی می‌باشد. ظهور سلیقه‌های نودر ساخت مسکن باعث متروک شدن شیوه‌های سنتی معماری گردیده است در این حال معماران سنتی که توانایی رقابت با شرایط جدید را در خود نمی‌یافتند، میدان را به رقبای جدید سپردند. با کاهش تعداد استادکاران، شیوه ساخت بناهای سنتی به فراموشی سپرده شده و بافت زیبای معماری دستخوش

تحول گردید. شیوه‌های جدید معماری روستایی سیستان، به حذف عناصر ارزشمندی از قبیل گنبدها و هواکشها از معماری سیستان انجامید. پی آمد این امر استفاده روز افزون از انرژیهای فسیلی جهت مطبوع و خنک نگه داشتن فضای زندگی می‌باشد. حذف انرژی پاک و ارزشمند باد از زندگی روستائیان ضایعه زیستی قابل ملاحظه‌ای است که متأسفانه در مسکن امروز سیستان دیده می‌شود. شروع ساخت و سازهای با الگوهای شهری در منطقه سیستان را می‌توان به دهه ۷۰ و پس از سیل سالهای ۶۹ و ۷۰ نسبت داد. در این سالها و پس از وقوع سیلابهای شدید و تخریب تعداد زیادی از خانه‌های روستایی، در اقدامی تحمیلی اکثر روستائیان، با دریافت وام‌های بانکی مجبور به تغییر بناهای روستایی از خشت و گلی به آجری و از سقفهای گنبدی به سقفهای ضربی آجری گردیدند. مصالح خشت و گلی جای خود را به آجر، سیمان، شن و آهن دادند و روستایی مستقل تبدیل به روستایی وابسته به نقاط دیگر گردید. بناهایی که معماران روح خویش را در آن جا می‌گذاشت تبدیل به بناهای سرد و شهری گردید که با توجه به جغرافیایی طبیعی منطقه هیچ‌گونه سنجی با فرهنگ و آداب و سنن منطقه ندارد و به لحاظ فرهنگی نیز فاقد هرگونه ارزش معماری هستند. احداث این ساختمانها از نظر زیست محیطی نیز خسارات جبران ناپذیری به طبیعت بکرو خدادادی منطقه وارد نمود. نگاهی به ساخت و سازهای اخیر مسکن روستایی نشان می‌دهد که درصد قابل توجهی از این ساخت و سازها ناتمام یا در صورت اتمام خالی از سکنه بوده و یا در صورت اسکان روستائیان در این خانه‌ها، با تغییرات قابل توجهی مواجه شده‌اند (شکل ۲) (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷).



شکل ۲: نمونه‌های از مسکن روستایی امروز در شهرستان هامون

### ۳- پیشینه تحقیق:

سلیقه (۱۳۸۳)، در مقاله خود به ارائه مدلهایی از مسکن که بتواند از شرایط اقلیمی منطقه چابهار حداکثر استفاده را از جهت تابش، دما، بارش و رطوبت نسبی به عمل آورده پرداخته است.

ستارزاده، داوود (۱۳۸۸)، در مقالهای تحت عنوان شاخصهای مسکن در استان سیستان و بلوچستان انجام داده است و نتایج تحقیق حاکی از آن است که شاخصهای کیفی مسکن بسیار نامناسب و نامطلوب است و این وضع در مطالعه شاخصهای کمی مسکن نیز مطرح است. مجموع شرایط حاکی از روند غیراصولی و بی‌برنامه در بخش مسکن و تامین مسکن است.

لطفی (۱۳۸۸)، به بررسی شاخصها و مولفه‌های ضروری در سیاستگذاری مسکن

الگوی مسکن بومی روستایی در شهرستان هامون  
صادق اصغری لقمجانی، اعظم بردبار گلوی

صص ۸-۱

روستایی در ایران و شناخت ویژگی‌های مسکن روستایی به این نتیجه می‌رسد که شاخصهای مسکن روستایی در بلندمدت، مسکن روستایی کشور را متحول و این امر منجر به ارائه یک الگوی مناسب و توسعه یافته مسکن روستایی در کشور خواهد شد. میرلطفی و بندانی (۱۳۹۰)، به بررسی تطبیقی مصرف انرژی در مسکن قدیمی و جدید روستاهای سیستان پرداخته‌اند و نتایج تحقیق حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین نوع مسکن و میزان مصرف انرژی وجود دارد. خانوارهای دارای مسکن جدید و قدیم به ترتیب بیشترین و کمترین میزان مصرف انرژی را به خود اختصاص داده‌اند.

حیدری و همکاران (۱۳۹۳)، مقاله‌های تحت عنوان بررسی امکان پذیری شیوه‌های بومی استفاده از باد در جهت بهبود هویت در معماری مسکن روستایی امروز سیستان انجام داده‌اند و نتایج حاکی از آن است که با شناخت شیوه‌های بومی استفاده از باد در منطقه و مناسب سازی آن برای معماری امروز روستاهای سیستان می‌توان کیفیت زندگی و هویت را در روستاهای این منطقه به میزان قابل توجهی افزایش داد.

#### ۴- محدوده مورد مطالعه

شهرستان هامون نیز یکی از پنج شهرستان منطقه سیستان است که دارای دو بخش (محمد آباد و مرکزی) و ۴ دهستان (محمدآباد، تیمورآباد، کوه خواجه، لوتک) می‌باشد که در محدوده جنوب و جنوب غربی منطقه سیستان واقع شده است (شکل-۳). این شهرستان از شمال با شهرستانهای زابل و نیمروز، از سمت شرق با شهرستان زهک، از سمت جنوب شرقی با کشور افغانستان، از سمت جنوب با شهرستان زاهدان و از سمت غرب با شهرستان نهبندان از استان خراسان، همجوار می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). این شهرستان مساحتی بالغ بر ۴۰۷۲ کیلومترمربع مجموع مساحت منطقه سیستان (بیش از ۵۰ درصد مساحت منطقه سیستان) را به خود اختصاص داده است. از مشخصه‌های بارز این منطقه وقوع بادهای ۱۲۰ روز می‌باشد که در فراهم آوردن آسایش یا اختلال در زندگی انسانها در بیرون و داخل مسکنشان موثر بوده و از روزگاران گذشته در طراحی مسکن مد نظر قرار می‌گرفته است.



شکل ۳: موقعیت شهرستان مورد مطالعه در منطقه سیستان

## ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

عمده‌ترین مواد و مصالح مصرفی در مسکن بومی شهرستان هامون، خشت و گل است که با توجه خاص به اقلیم منطقه درصدد استفاده بهینه از انرژیهای طبیعی همچون، باد، انرژی خورشید، و غیره بوده است. با توجه به وزش بادهای ۱۲۰ روزه و حرکت ماسه‌های روان ناشی از آن، مسکن بومی منطقه تطبیق بیشتری با شرایط اقلیمی منطقه داشته و میزان خسارات وارده ناشی از وزش بادهای ۱۲۰ در مسکن بومی منطقه کمتر بوده است و به هیچ عنوان عنصر یا فضای بی‌هوده و صرفاً محض زیبایی با تجمل در این مسکن به چشم نمی‌آید همچنین این مسکن در ارتباط با اعتقادات مذهبی و سایر خصوصیات فردی و اجتماعی از جمله مهمان نوازی، پاکیزگی بوده است. اما امروزه مصالح خشت و گلی جای خود را به آجر، سیمان، شن و آهن دادند و روستایی مستقل تبدیل به روستایی وابسته به نقاط دیگر گردید. بناهایی که معماران روح خویش را در آن جا می‌گذاشت تبدیل به بناهای سرد و شهری گردید که با توجه به جغرافیایی طبیعی منطقه هیچ‌گونه سنخیتی با فرهنگ و آداب و سنن منطقه ندارد و به لحاظ فرهنگی نیز فاقد هرگونه ارزش معماری هستند. لذا برای حفظ ساخت و ساز بومی در شهرستان هامون پیشنهاد می‌گردد:

- توجه به اقلیم منطقه و راهکارهای اقلیمی به جا مانده از گذشته و تطبیق آن با ساخت و سازهای جدید.
- افزایش آگاهی خانوارهای منطقه نسبت به مزایای استفاده از مسکن بومی در مقوله صرفه جویی در مصرف انرژی.
- استفاده از دانش بومی در ساخت مسکن برای بالا بردن سطح رضایت و کاهش هزینه‌های خانوار روستایی.

## منابع:

- جعفری نجف آبادی، عاطفه. مهدویپور، حسین (۱۳۹۱)، نقش تکنولوژی بومی در کیفیت فضاهای مسکونی، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، صص ۶۸-۵۱.
- حیدری، ابوالفضل، معماریان، غلامحسین، محمد مرادی، اصغر، حسینعلیپور، سید مصطفی (۱۳۹۳)، بررسی امکان پذیری شیوه‌های بومی استفاده از باد در جهت بهبود هویت در معماری مسکن روستایی امروز سیستان، کمیسیون اول: همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار، مشهد.
- سرتیپی، محسن (۱۳۸۴)، شاخصهای معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳، دانشگاه تهران، صص ۵۲-۴۳.
- ستارزاده، داوود (۱۳۸۸)، شاخص‌های مسکن در استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۰-۸۵.
- طوسی، حسین (۱۳۸۴)، بررسی مسکن بومی سیستان، اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا.
- ظهوریان، منیژه. امیری، آزاده (۱۳۸۴)، الگوی مسکن در روستاهای کوهستانی لرستان، مورد مطالعه روستای کیان آباد، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۱، صص ۳۵-۲۴.
- فاضلنیا، غریب. کیانی، اکبر. خسروی، محمود علی. بندانی، میثم (۱۳۹۰)، بررسی انطباق الگوی بومی توسعه کالبدی- فیزیکی روستای تمبکاء شهرستان زابل با جهت حرکت طوفانهای شن و ماسه، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۶، صص ۱۶-۳.
- میرلطفی، محمود رضا، بندانی، میثم (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی مصرف انرژی در مسکن قدیمی و جدید روستاهای سیستان، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، مشهد، صص ۱۰-۱.
- مرتضوی، حسن. شهبخش، مهران (۱۳۸۸)، بررسی شاخصها و گونه‌های مختلف مسکن روستایی سیستان، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، صص ۸-۱.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.
- لطفی، حیدر. احمدی، علی. حسن زاده فرجود، داوود (۱۳۸۸)، شاخصها و مؤلفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن روستایی در ایران، فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۷، صص ۱۲۸-۱۰۵.